

بررسی تطبیقی آیه ۲۰۷ سوره بقره از منظر آیت‌الله جوادی آملی و شیخ محمد مغراوی

حسین بونگی نژاد^۱

محمد افشاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

چکیده

واقعه «لیلة المبيت» از رخدادهاي محوري تاريخ اسلام است که فداکاری و شجاعت برجسته حضرت علي (ع) را در شب هجرت پیامبر اکرم (ص) به تصویر می کشد. امیرالمؤمنین (ع) در آن شب با خوابیدن در بستر پیامبر (ص)، جان آن حضرت را از خطر مشرکان حفظ کرد. آیه ۲۰۷ سوره بقره: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» به باور بسیاری از مفسران فریقین، در شأن این واقعه نازل شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی تطبیقی آرای آیت‌الله جوادی آملی به عنوان مفسر شیعی و شیخ محمد مغراوی به عنوان مفسر اهل سنت می پردازد. یافته ها نشان می دهد آیت‌الله جوادی آملی با رویکردی عرفانی - فلسفی، «شراء نفس» را معامله وجودی میان انسان و خداوند دانسته و آن را ناظر به مقام فنا فی الله و وصول به «مرضات الهی» تفسیر می کند. وی با استناد به روایات متواتر فریقین، مصداق اتم آیه را امام علی (ع) معرفی کرده و این فداکاری را با رؤیای حضرت ابراهیم (ع) مقایسه می کند. در مقابل، مغراوی با رویکردی نص گرا و با تکیه بر ظواهر روایی، ضمن گزارش دیدگاه های مختلف مفسران، داستان «صهیب رومی» را به عنوان سبب نزول برمیگزیند. به نقد علامه طباطبائی، مغراوی در این تفسیر دچار خلط میان «بذل جان» و «بذل مال» شده است. این پژوهش نشان می دهد که تفاوت در مبانی معرفتی، به تفاوت در فهم و تفسیر یک آیه واحد می انجامد.

واژگان کلیدی: لیلة المبيت، آیه ۲۰۷ بقره، شراء النفس، جوادی آملی، محمد مغراوی، حضرت علی (ع)، تفسیر تطبیقی.

۱. دانش پژوه سطح دو، کلام اسلامی، موسسه آموزش عالی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران.

hossein.b.o.n.g@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، پژوهشگر تاریخ موسسه آموزش عالی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران.

mohammadafshari213@gmail.com . «نویسنده مسئول».

مقدمه

آیه ۲۰۷ سوره بقره: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ از جمله آیاتی است که در طول تاریخ تفسیر، همواره مورد توجه مفسران فریقین قرار گرفته و از حیث دلالت و سبب نزول، محل بحث و بررسی بوده است. به باور غالب مفسران شیعه و شماری از مفسران اهل سنت، این آیه در شأن واقعه «لیلة المبيت» نازل شده است؛ واقعه‌ای که در آن عالی‌ترین مرتبه ایشار انسانی، یعنی بذل جان در راه جلب رضایت الهی، به تصویر کشیده می‌شود. در آن شب سرنوشت‌ساز، هنگامی که سران قریش نقشه قتل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را طراحی کردند، حضرت علی علیه السلام با فداکاری بی نظیر در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید تا زمینه هجرت آن حضرت و تداوم رسالت فراهم آید (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱/۱۴۵). نزول این آیه در ستایش چنین اقدامی، نشان‌دهنده ژرفای معنایی آن در منظومه معارف قرآن کریم است.

پژوهش حاضر با هدف واکاوی تطبیقی دیدگاه‌های دو مفسر برجسته از دو طیف فکری متفاوت سامان یافته است: از یک سو آیت‌الله عبداللّه جوادی آملی، به عنوان مفسری شیعی با رویکردی جامع - مشتمل بر ابعاد عقلی، نقلی و عرفانی - که تفسیر تسنیم وی از مهم‌ترین تفاسیر قرآن در عصر حاضر به شمار می‌آید؛ و از سوی دیگر، شیخ محمد مغراوی، مفسر معاصر اهل سنت با رویکردی نص‌گرا که تفسیر التدبر و البیان او از تفاسیر پرمراجعه در میان اهل سنت محسوب می‌شود.

پرسش اصلی پژوهش آن است که مبانی و روش‌های تفسیری این دو مفسر چه تأثیری بر برداشت آنان از مفاهیم کلیدی آیه، از جمله ﴿يَشْرِي نَفْسَهُ﴾ و ﴿ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾، و نیز بر تبیین سبب نزول آن داشته است. فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که تمایز در مبانی معرفتی - از جمله بهره‌گیری از عرفان و فلسفه در برابر گرایش نص‌گرایانه - و نیز تفاوت در نگاه به تاریخ و روایات، به شکل‌گیری دو خوانش متمایز از این آیه انجامیده است. اهمیت این پژوهش، افزون بر روشن ساختن برخی زوایای معنایی آیه، در نشان دادن نقش مبانی تفسیری در فهم قرآن و نیز گشودن افقی تازه برای درک تفاوت‌های موجود در رویکردهای تفسیری مذاهب اسلامی است. ساختار مقاله نیز بدین صورت تنظیم شده

است که پس از بررسی پیشینه و مفاهیم، دیدگاه‌های دو مفسر در دو محور «تحلیل واژگان» و «سبب نزول» بررسی شده و سپس در قالب ارزیابی تطبیقی مورد نقد قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی به بررسی آیه لیلۃ‌المبیت و شأن نزول آن پرداخته‌اند. در ادامه، مهم‌ترین و نزدیک‌ترین آثار به موضوع پژوهش حاضر معرفی می‌شود.

کتاب بررسی تحلیلی آیه شریفه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (صادقی‌فر، ۱۳۸۳ش) با رویکردی تحلیلی - تفسیری به آیه ۲۰۷ سوره بقره پرداخته است. این اثر با بررسی شأن نزول، تحلیل روایات و منابع تاریخی و نقد دیدگاه‌های مخالف، نشان می‌دهد که آیه یادشده دربارهٔ ایثار و فداکاری امام علی علیه السلام در واقعهٔ لیلۃ‌المبیت نازل شده است.

پایان‌نامهٔ بررسی تطبیقی تفسیر آیه لیلۃ‌المبیت از دیدگاه فریقین (علی صوفی، ۱۳۹۸ش) با روش توصیفی - تحلیلی، به تطبیق آرای مفسران فریقین دربارهٔ آیه مذکور پرداخته و در پی پاسخ به این پرسش است که دیدگاه شیعه و اهل سنت دربارهٔ ماجرای لیلۃ‌المبیت چیست و این دو دیدگاه چه اشتراکات و افتراقاتی دارند.

پایان‌نامهٔ آیه مبیت، بررسی تطبیقی از منظر تفاسیر فریقین (محمد سالم سالم، ۱۴۰۲ش) در چهار فصل، آیه لیلۃ‌المبیت را از منظر تفاسیر شیعه و اهل سنت بررسی کرده است. این پژوهش به تبیین وجوه توافق تفاسیر شیعه و اهل سنت دربارهٔ فضیلت امام علی علیه السلام و نیز بیان آرای مفسران فریقین دربارهٔ خوابیدن آن حضرت در فراش رسول‌الله صلی الله علیه و آله در شب هجرت پرداخته است.

مقالهٔ بررسی تفسیری آیه لیلۃ‌المبیت در تفاسیر فریقین (ترکاشوند و همکاران، ۱۴۰۰ش) درصدد بررسی مصداق شأن نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره است و این پرسش را دنبال می‌کند که آیا مصداق شأن نزول این آیه امام علی علیه السلام است یا نه، و در صورت اثبات، دلایل و مستندات آن کدام‌اند.

مقاله بررسی تطبیقی معنی آیه ۲۰۷ بقره در روایات فریقین (مولایی‌نیا، ۱۴۰۰ش) به شأن نزول آیه و شبهات مرتبط با آن از دیدگاه فریقین پرداخته است. این پژوهش آیه را صرفاً از منظر روایات فریقین بررسی کرده و ضمن پاسخ به شبهات، به این نتیجه رسیده است که روایات فریقین درباره نزول آیه در شأن حضرت علی علیه السلام در واقعه «لیلة المبیت» از تواتر معنوی برخوردار است و بر فضیلت و جانشینی آن حضرت دلالت قطعی دارد؛ ازاین‌رو، مجالی برای تردید و شبهه‌افکنی باقی نمی‌ماند.

مقاله بررسی تطبیقی شأن نزول آیه شراء در تفاسیر شیعه و سنی (بستانی و همکاران، ۱۴۰۲ش) نیز به بررسی شأن نزول آیه از منظر مفسران فریقین اختصاص دارد. مجموع این مطالعات نشان می‌دهد که رویکردهای متفاوت تفسیری می‌تواند به برداشت‌های گوناگون از یک آیه واحد منجر شود و همین امر، ضرورت بررسی‌های دقیق‌تر و تخصصی‌تر را آشکار می‌سازد.

با وجود پژوهش‌های یادشده، مقاله حاضر با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی و محمد مغراوی در تفسیر آیه ۲۰۷ سوره بقره، رویکردی متمایز اتخاذ کرده است. در حالی که آثار پیشین عمدتاً به بررسی عام آرای مفسران فریقین پرداخته‌اند، این پژوهش با تمرکز بر دیدگاه‌های دو مفسر برجسته، به تحلیل دقیق‌تر و عمیق‌تر آرای آنان و تبیین تفاوت‌ها و نوآوری‌های تفسیری ایشان می‌پردازد. این رویکرد، امکان بررسی جزئی‌تر و تخصصی‌تر مباحث تفسیری مرتبط با آیه لیلة المبیت را فراهم می‌آورد و به فهم بهتر تفاوت دیدگاه‌ها در این زمینه کمک می‌کند. در نهایت، پژوهش حاضر مصداقی روشن از تأثیر رویکردهای مختلف تفسیری بر برداشت از یک آیه واحد را نشان می‌دهد.

۲. مفهوم شناسی لیلة المبیت

واژه «لیل» در منابع لغوی چنین معنا شده است: «عقیب النهار و مبدؤه من غروب الشمس»؛ یعنی زمانی که پس از روز آغاز می‌شود و مبدأ آن هنگام غروب آفتاب است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ۶۰۷/۱۱). در منبعی دیگر نیز «لیل» به معنای مقابل و ضد «نهار» دانسته شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۲۵/۵).

همچنین واژه «مَبِيت» در لغت به معنای «الموضع الذي يُبَاتُ فيه» آمده است؛ یعنی مکان یا موضعی که در آن شب‌گذرانی و بیتوته صورت می‌گیرد (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق: ۱۷/۲؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م: ۲۵۷/۱).

بر این اساس، ترکیب «ليلة المبيت» از دو واژه «ليلة» به معنای شب و «المبيت» به معنای محل بیتوته تشکیل شده است؛ از این رو، از نظر لغوی «ليلة المبيت» به معنای شب بیتوته، یعنی شبی که در آن اقامت و خوابیدن تحقق می‌یابد، به کار می‌رود. در اصطلاح فرهنگ دینی، «ليلة المبيت» به واقعه‌ای اشاره دارد که در شب نخست ماه ربیع‌الاول سال چهاردهم بعثت رخ داده است؛ شبی که در آن حضرت علی علیه السلام به جای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بستر آن حضرت خوابید تا رسول خدا صلی الله علیه و آله از توطئه قتل مشرکان مکه جان سالم به در برده و از مکه به مدینه هجرت کند. در این باره آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره: ۲۰۷) در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است (پایگاه اینترنتی دانشنامه اسلامی، ۱۳۸۸ش؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۹/۳؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۸۲۶/۴؛ حلی، بی‌تا: ۴۵).

۳. تحلیل واژگان کلیدی آیه

آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره: ۲۰۷) بر دو مفهوم محوری «يَشْرِي نَفْسَهُ» و «مَرْضَاتِ اللَّهِ» استوار است.

الف) واژه «يَشْرِي»: این واژه از ریشه «ش ر ی» و از افعال «اضداد» است که هم در معنای «خریدن» و هم «فروختن» به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۸۵ش: ۵۴-۵۵؛ قرشی، ۱۳۷۱ش: ۳۰/۴). در سیاق آیه شریفه، معنای «فروختن» مراد است؛ بدین معنا که شخص، جان خویش را می‌فروشد (طریحی، ۱۳۷۵ش: ۲۴۴/۱؛ ابن‌معروف، بی‌تا: ۷۷۹/۲؛ ابوحاتم سجستانی، ۱۴۳۰ق: ۱۲۳). مؤید این معنا، کاربرد این واژه در آیاتی همچون آیه ۲۰ سوره یوسف است: ﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخِيسٍ﴾ که در آن «شَرَوْهُ» به معنای «او را فروختند» آمده است (طباطبائی، ۱۳۷۸ق: ۱۴۷-۱۴۹؛ ابن‌شجرى، ۲۰۰۹م: ۶۲).

ب) واژه «مَرْضَاتِ»: این واژه مصدر میمی از ریشه «ر ض و» است که بر ثبات و دوام دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۸۵ش: ۱۵۲/۴-۱۵۳) و به معنای «خشنودی پایدار و مستمر»

است (همان؛ قرشی، ۱۳۷۱ش: ۱۰۲/۳). «رضا» در برابر «سَخَط» (خشم و ناخشنودی) قرار می‌گیرد (زیبیدی، ۱۴۱۴ق: ۴۶۳/۱۹؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۰۲/۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۵۳۵/۲). رضایت بنده از خدا به معنای تسلیم و پذیرش بی‌قید و شرط قضای الهی است، در حالی که رضایت خداوند از بنده، ناشی از طاعت و بندگی خالصانه اوست (اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۶). بر این اساس، نفسی که به مقام «مَرْضَاتِ اللَّهِ» نائل شود، هم «راضیه» (خشنود از قضای الهی) و هم «مرضیه» (مورد خشنودی خداوند) خواهد بود و به طمأنینه و آرامشی ویژه دست می‌یابد.

پس از این واکاوی معناشناختی واژگان محوری آیه، در ادامه، این مفاهیم از منظر آیت‌الله جوادی‌آملی و شیخ محمد مغراوی به صورت تطبیقی بررسی می‌شود تا وجوه اشتراک و افتراق آرای آنان تبیین گردد.

۱-۳. تحلیل واژگان کلیدی آیه از دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی

آیت‌الله جوادی‌آملی در تحلیل واژگان محوری آیه ۲۰۷ سوره بقره، با رویکردی عرفانی - فلسفی، مفاهیم «يُثْرِي» و «مَرْضَاتِ اللَّهِ» را در افقی فراتر از معانی متعارف لغوی تفسیر می‌کند. تحلیل ایشان در این زمینه را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد:

۱-۱-۳. مفهوم «یشری»

آیت‌الله جوادی‌آملی تحلیل خود را با تبیین معنای لغوی آغاز کرده و واژه «شراء» را دارای معنای جامع «تبدیل» می‌داند که هم بر «خریدن» و هم بر «فروختن» اطلاق می‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۴۵/۱۰؛ ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۵ش: ۵۴/۶-۵۵). با این حال، محور اصلی تحلیل ایشان خروج این مفهوم از چارچوب‌های حقوقی متعارف و ارتقای آن به سطح «مبادله‌ای حقیقی و وجودی» است. از منظر ایشان، «شراء النفس» در این آیه بیانگر «معامله بنده با پروردگار» است؛ معامله‌ای که در آن انسان «وجود ناقص و فانی» خویش را در برابر «سعادت ابدی و قرب الهی» می‌فروشد یا می‌بخشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۴۹/۱۰).

نکته قابل توجه در تحلیل ایشان، تأکید بر ذاتی رایگان بودن این «شراء» - خواه به

معنای بیع و خواه به معنای بذل و اعطا - است. به اعتقاد ایشان، هنگامی که انسان اصل «نفس» و هویت خویش را به درگاه الهی عرضه می‌کند، در واقع مالکیت خویش را به خداوند واگذار کرده است. در چنین وضعیتی، دیگر «خویشتن» مستقلی باقی نمی‌ماند تا عوض یا ثمنی دریافت کند، حتی اگر آن عوض «رضای الهی» باشد. این نگرش بیانگر اوج اخلاص و فنا در مسیر بندگی است (همان).

بر این اساس، ایشان برای این بذل و ایثار دو مرتبه قائل‌اند:

نخست، بذل جان به معنای اهدای حیات دنیوی یا مرگ جسمانی؛ در این مرتبه، فرد زندگی مادی و بدن خویش را فدا می‌کند، در حالی که حقیقت وجودی او محفوظ می‌ماند و پس از مرگ از ثمرات اخروی این فداکاری، از جمله لذت رضایت الهی، بهره‌مند می‌شود.

دوم، بذل جان به معنای فدا کردن مرتبه نازل وجود برای وصول به مرتبه عالی؛ که عالی‌ترین سطح ایثار محسوب می‌شود. در این مرتبه، انسان «هویت محدود نفسانی و مرتبه نازل وجودی» خویش را فدای «مرتبه بقا و فنا در خداوند» می‌کند. در این حالت، چنان‌که ایشان بیان می‌کنند: «رضای عبد، فانی در رضای مولاست؛ بنابراین هویت و ذات که در هستی بخش فانی شد، وصف، یعنی رضا نیز در وصف هستی بخش فانی خواهد شد» (همان). این مقام همان مرتبه «فنا فی الله» و وصول به «رِضْوَانُ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (حدید: ۲۰) است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۴۸/۱۰).

بر اساس این تبیین، واقعه «لیلة المبیت» در نگاه ایشان مصداق بارز مرتبه دوم به شمار می‌آید؛ زیرا حضرت علی علیه السلام همه شئون وجودی خود را نثار کرد تا حقیقت رسالت - که بقای در خداوند است - محفوظ بماند.

۳-۱-۲. گستره معنایی «نفس» و تجارت وجودی در دنیا

آیت‌الله جوادی آملی با ارائه چارچوبی کلان، زندگی دنیا را به «بازار تجارت» تشبیه می‌کند؛ بازاری که در آن همه انسان‌ها ناگزیرند با سرمایه گران‌بهای «جان» و «عمر» خود دادوستد کنند (همان: ۲۵۴/۱۰). از منظر ایشان، این تجارت دو گونه است: نخست، تجارتی سودمند و پایدار که در آن انسان جان خویش را در برابر «رضای الهی»،

«رستگاری» و «بهشت جاویدان» عرضه می‌کند. این همان معنای ﴿يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ است و تجارتی به شمار می‌آید که هرگز دچار زیان نمی‌شود: ﴿يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾ (فاطر: ۲۹). دوم، تجارتی زیان‌بار و باطل که در آن انسان سرمایه وجودی خود را در برابر «لهو و لعب» دنیوی یا «ضلالت» می‌فروشد و گرفتار خسران ابدی می‌شود: ﴿يُسَمِّا اشْرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾ (بقره: ۹۰).

ایشان تأکید می‌کنند که تعبیر «نفس» در آیه، همه شئون زندگی انسان، از جمله مال، آبرو، جان و تمام فضایل او را دربر می‌گیرد. بنابراین، کسی که «هستی خویش» را به خداوند فروخته است، در حقیقت همه این امور را در راه او نثار کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۴۷/۱۰). بر این اساس، آیه ۲۰۷ سوره بقره در این تفسیر، صرفاً ناظر به یک واقعه تاریخی نیست، بلکه بیانگر قانونی کلی و هستی‌شناختی درباره سلوک انسان است.

۳-۱-۳. مفهوم «مرضات الله»

از منظر آیت الله جوادی آملی، واژه «مرضات» در تقابل با «سخط» قرار دارد و به معنای موافقت میل، خواست و پسند شخص با آنچه واقع می‌شود، به کار می‌رود (همان: ۲۴۶/۱۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۰۲/۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۵۳۵/۲). در تحلیل لغوی، «مرضاة» به عنوان مصدر میمی، بر حالت پایدار رضایت و ثبات در خشنودی دلالت دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۴۶/۱۰؛ مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۵۲/۴-۱۵۳). بر این اساس، «مرضات الله» به معنای رضایتی زودگذر یا پاداشی اعتباری نیست، بلکه عالی‌ترین مرتبه «قرب الی الله» و حاصل «فنا فی ذات الحق» به شمار می‌آید.

در منظومه فکری ایشان، انگیزه «ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره: ۲۰۷) مرتبه‌ای برتر از عمل بر پایه «خوف از عقاب» - که مرتبه مبتدی به شمار می‌رود - یا «طمع در ثواب» - که مرتبه میانی است - محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۴۸/۱۰). ایشان تأکید می‌کنند که انگیزه عمل در این آیه، منحصرأ جلب این رضایت پایدار الهی است؛ انگیزه‌ای که فراتر از عبادت از سر «خَوْفًا مِنَ النَّارِ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۶۲/۱) یا «شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ» و طمع در ثواب قرار دارد. در مرتبه «ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»، انسان بدون توجه به پاداش

اخروی یا منفعت دنیوی، تنها از سر محبت الهی و در مقام اطاعت از فرمان او از جان خویش می‌گذرد. به باور ایشان، آیه مورد بحث بیانگر همین مرتبه عالی از تجلی اخلاص و عبودیت است؛ مرتبه‌ای که برترین مقام بندگی و ویژه اولیای الهی به شمار می‌آید و در تعبیر قرآنی ﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾ (توبه: ۷۲) انعکاس یافته است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۴۸/۱۰؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۳۴ق: ۱۵۲/۳).

۲-۳. تحلیل واژگان کلیدی آیه از دیدگاه شیخ محمد مغراوی

شیخ محمد مغراوی در تفسیر آیه ۲۰۷ سوره بقره، با تمرکز بر ظواهر الفاظ و جمع‌بندی دیدگاه‌های مفسران پیشین، تحلیلی ارائه می‌کند که عمدتاً بر جنبه‌های لغوی و ظاهری آیه مبتنی است. این رویکرد در چارچوب مبانی نص‌گرایانه و روش تفسیری روایی - لغوی رایج در میان مفسران اهل سنت قرار می‌گیرد. بر همین اساس، تحلیل وی از واژگان کلیدی آیه فاقد تأملات فلسفی یا عرفانی بوده و بیشتر در محدوده معانی متعارف لغوی و مصادیق تاریخی نقل‌شده در روایات اسلامی شکل می‌گیرد. این تحلیل را می‌توان در محورهای ذیل صورت‌بندی کرد:

۳-۲-۱. واکاوی واژگانی در چارچوب سیاق و لغت

مغراوی تحلیل خود را بر معناشناسی ریشه‌ای واژگان استوار می‌سازد. وی با اشاره به دووجهی بودن ماده «ش ر ی» (از اضداد) و با استشهاد به آیه ۲۰ سوره یوسف ﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ﴾، در این سیاق معنای «فروختن» را برای ﴿يُشْرِي﴾ برمی‌گزیند (مغراوی، ۱۴۳۵ق: ۴۳۸/۳). همچنین تعبیر ﴿اِئْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ را به «طلب خشنودی خداوند» تفسیر می‌کند که در برابر «سَخَط» (خشم الهی) قرار دارد. بر این اساس، رویکرد وی مبتنی بر فهم ظاهر الفاظ و تکیه بر معنای متعارف زبانی در عصر نزول است.

۳-۲-۲. مفهوم «شراء النفس»: از عمومیت مفهومی تا تکلیف اجتماعی

محرك اصلی در تفسیر مغراوی، نفی انحصار مصداقی و تأکید بر عمومیت دلالت آیه است. وی با بررسی اختلاف اقوال مفسران اهل سنت درباره سبب نزول، نشان می‌دهد که آیه ناظر به مجموعه‌ای از مصادیق است که همگی ذیل مفهوم کلی «فداکاری در

راه اطاعت خداوند» قرار می گیرند. این مصادیق طیفی گسترده را دربرمی گیرد؛ از جهاد و دفاع از مظلوم گرفته تا هجرت همراه با فداکاری مالی و نیز امر به معروف و نهی از منکر (همان؛ طبری، ۱۴۲۲ق: ۵۹۴/۳). از این رو، «شراء النفس» وصفی نوعی برای مؤمنی است که در راه جلب رضای الهی از عزیزترین دارایی خود می گذرد (مغراوی، ۱۴۳۵ق: ۴۳۹/۳).

با این حال، مغراوی به این سطح از تبیین بسنده نمی کند. وی با تلفیق این عمومیت با دیدگاه‌هایی همچون آرای محمد رشید رضا، مفهوم یادشده را به سطح یک تکلیف اجتماعی فعال ارتقا می دهد (همان: ۴۴۰/۳). بر این اساس، «شراء النفس» صرفاً ایثاری فردی نیست، بلکه «معامله‌ای با خداوند» است که در عرصه عمل اجتماعی تحقق می یابد. مؤمن در این معامله، جان و مال خویش را در «سبیل الله» عرضه می کند و «سبیل الله» نیز راه‌هایی است که به حفظ دین، اصلاح جامعه، استحکام امت و گسترش خیر و عدالت می انجامد (همان: ۴۴۱/۳). در نتیجه، عالی‌ترین مصداق این معامله، بذل جان در مسیر تحقق این اهداف اجتماعی متعالی است. در نگاه مغراوی، مؤمن حقیقی کنشگری فعال است که وجود او برای دیگران سودمند بوده و در دفع شر و اشاعه خیر می کوشد (همان).

بر این اساس، دیدگاه شیخ محمد مغراوی رویکردی نص‌محور، عمل‌گرا و ناظر به حیات اجتماعی دارد. در این منظومه فکری، «شراء النفس» تکلیفی عام با مصادیق تاریخی متنوع و کارکردی اجتماعی است که انگیزه آن، طلب رضای خالص الهی در چارچوب شریعت به شمار می آید.

۳-۲-۳. انگیزش «ابتغاء مرضات الله»: خلوص نیت در تقابل با هوای نفس

مغراوی شرط صحت این «معامله» را در انگیزه عمل می داند. از نظر وی، تنها انگیزه مقبول، طلب خالص و بی‌آلایش رضای الهی («مرضات الله») است. او این انگیزه را در تقابل با پیروی از هوای نفس، سلطه شیطان و گرایش به لذت‌های زودگذر دنیوی قرار می دهد (همان: ۴۴۰/۳). با این حال، نکته متمایز در دیدگاه وی تأکید بر سازگاری طلب رضای الهی با بهره‌مندی مشروع از دنیا است (همان: ۴۴۱/۳-۴۴۲). به باور مغراوی،

مسئله زمانی پدید می‌آید که هوای نفس بر رضای الهی مقدم شود و انسان با عبور از حدود و مقررات شرعی، به فساد گراید (همان). از این رو، «مرضات الله» در تفسیر وی بیش از آنکه مقامی روحانی و متعالی تلقی شود، معیاری اخلاقی برای جهت‌دهی و مهار تمایلات انسان در چارچوب شریعت به شمار می‌آید.

۴. سبب نزول آیه

شناخت دقیق اسباب نزول، نقش مهمی در فهم صحیح مفهوم، مقصود و مصداق آیات قرآن دارد و مفسر را از تطبیق‌های نادرست بازمی‌دارد. بر این اساس، دیدگاه‌های دو مفسر درباره سبب نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره بررسی می‌شود و سپس آرای مخالف مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۴-۱. دیدگاه آیت‌الله جوادی‌آملی در تبیین سبب نزول

آیت‌الله جوادی‌آملی در تبیین این آیه، ابتدا دیدگاه خود را درباره سبب نزول آن مطرح می‌کند و سپس با گسترش دامنه دلالت آیه، نمونه‌های دیگری از مصادیق آن را نیز بیان می‌کند.

۴-۱-۱. انطباق آیه با واقعه تاریخی لیلۃ المبیت

آیت‌الله جوادی‌آملی با استناد به روایات متعدد از منابع فریقین، سبب نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره را واقعه تاریخی «لیلۃ المبیت» می‌داند. بر اساس روایتی که شیخ طوسی به سند خود از انس بن مالک نقل کرده است، هنگامی که مشرکان قریش در شب هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قصد جان آن حضرت را کردند، امام علی علیه السلام به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر ایشان خوابید و خود را با بُرد (پوشش) پیامبر پوشاند. زمانی که مشرکان با شمشیرهای آخته به بستر پیامبر صلی الله علیه و آله هجوم آوردند، گفتند: «او را بیدار کنید تا درد کشته شدن را بچشد و ببیند که شمشیرها چگونه بر او فرود می‌آیند». هنگامی که او را بیدار کردند، با علی علیه السلام مواجه شدند. در نتیجه او را رها کردند و پراکنده شدند تا به جست‌وجوی پیامبر صلی الله علیه و آله پردازند. در این هنگام، آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...﴾ نازل شد و این فداکاری بی‌نظیر را ستود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ۲۵۵/۱۰).

طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۴۶-۴۴۷؛ حسکانی، ۱۳۸۰ش: ۹۶/۱-۱۰۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۷ش: ۵۰۰/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۵۲/۱.

ایشان همچنین به روایت دیگری استناد می‌کنند که بر اساس آن، خداوند متعال جبرئیل و میکائیل علیهما السلام را مخاطب قرار داد و فرمود: «میان شما دو برادر، پیوند برادری برقرار کردم؛ کدام یک حاضر است جان خود را برای دیگری فدا کند؟» هنگامی که هیچ‌یک به این ایثار تن ندادند، خداوند به فداکاری امام علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد. در این هنگام، جبرئیل بالای سر علی علیه السلام و میکائیل در پایین بستر او قرار گرفتند و جبرئیل ندا داد: «آفرین بر تو، ای پسر ابوطالب! که خداوند به تو در میان فرشتگان مباحثات می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۵۵/۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳ش: ۲۲۱/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۷ش: ۵۰۱/۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۲۵/۲-۱۲۶).

در تبیین دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره سبب نزول آیه لیلۃ‌المبیت، چند نکته قابل توجه است:

الف) تواتر روایی و اجماع مفسران: به باور ایشان، روایات مربوط به نزول آیه در شأن امام علی علیه السلام به حد تواتر معنوی رسیده است و افزون بر منابع شیعی، شماری از مفسران اهل سنت نیز این دیدگاه را پذیرفته‌اند (امینی، ۱۴۱۶ق: ۴۷/۲-۴۹). برای نمونه، ثعلبی در تفسیر خود این واقعه و نزول آیه را به تفصیل گزارش کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۵۶/۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۲۵/۲-۱۲۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۰۴/۵).

ب) تنوع اسباب نزول و برتری مصداق‌اعلای آن: آیت‌الله جوادی آملی به این اصل تفسیری اشاره می‌کنند که یک آیه ممکن است دارای مصادیق متعددی در سبب نزول باشد، اما در میان آنها همواره مصداقی اتم و اکمل وجود دارد که آیه در شأن او نازل شده است. هرچند این آیه می‌تواند بر فداکاری دیگر اصحاب نیز تطبیق یابد، اما ایشان امام علی علیه السلام در لیلۃ‌المبیت، از حیث کیفی و کمی در مرتبه‌ای قرار دارد که با هیچ‌یک از دیگران قابل مقایسه نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۵۶/۱۰).

ج) تشبیه به رؤیای حضرت ابراهیم علیه السلام: ایشان این واقعه را قابل مقایسه با رؤیای صادق حضرت ابراهیم علیه السلام در ماجرای ذبح فرزندش اسماعیل علیه السلام می‌دانند (صافات:

۱۰۱-۱۰۵). همان‌گونه که ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام آماده اجرای فرمان الهی شدند، امام علی علیه السلام نیز با اختیار کامل جان خود را در طبق اخلاص نهاد. البته در واقعه لیلۃ‌المبیت، تقدیر الهی به گونه‌ای دیگر رقم خورد و جان آن حضرت حفظ شد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۵۷/۱۰).

د) تحلیل مقایسه‌ای شجاعت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام: آیت‌الله جوادی‌آملی به نقل از مرحوم کاشف‌الغطاء، تحلیلی مقایسه‌ای از شجاعت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام ارائه می‌کنند و شجاعت امام علی علیه السلام در لیلۃ‌المبیت را عظیم‌تر از شجاعت امام حسین علیه السلام در کربلا ارزیابی می‌نمایند؛ زیرا امام علی علیه السلام در آن شب، بی سلاح و بدون امکان دفاع، خود را در معرض قتل قرار داد، در حالی که چهل تن از سران قریش خانه پیامبر صلی الله علیه و آله را محاصره کرده بودند. این اقدام جلوه‌ای از اوج تسلیم و رضا در برابر فرمان الهی است (همان: ۲۵۸/۱۰؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۰ش: ۲۹۴/۴). ایشان در تبیین این تحلیل، سه نکته اساسی را مطرح می‌کنند:

نخست، اصل «عدم قیاس» درباره اهل بیت علیهم السلام. پیش از هرگونه تحلیل تطبیقی، باید به قیاس‌ناپذیری مقام اهل بیت علیهم السلام توجه داشت. چنان‌که در نهج‌البلاغه (خطبه ۲) آمده است: «لا یقاس بآل محمد من هذه الامة احد». این بیان، بر یگانگی جایگاه آنان دلالت دارد؛ از این رو هرگونه مقایسه باید با لحاظ این اصل بنیادین صورت گیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۵۸/۱۰).

دوم، تفاوت ذاتی عمل معصوم با عمل دیگران. هرچند ممکن است ظاهر برخی اعمال مؤمنان و مجاهدان با عمل معصوم مشابه به نظر آید، اما در حقیقت میان آنها تفاوتی بنیادی وجود دارد. منشأ این تفاوت در مراتب وجودی عمل معصوم است؛ زیرا عمل معصوم علیه السلام تنزل‌یافته از مقام عصمت کلی الهی، خلافت مطلقه و مظهریت اسمای حسناى الهی، به‌ویژه اسم اعظم است، در حالی که اعمال دیگران از چنین مراتب وجودی نشئت نمی‌گیرد (همان).

سوم، رابطه «نزول وجودی» و «صعود معنوی» عمل. این نکته به قاعده‌ای هستی‌شناختی اشاره دارد که در آیه ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ (فاطر:

۱۰) بیان شده است. بر اساس این قاعده، میزان صعود هر عمل صالح متناسب با مرتبه نزول آن است؛ بدین معنا که هر عملی از هر مرتبه‌ای از کمال وجودی که در عالم تحقق یافته باشد، در صعود نیز به همان مرتبه بازمی‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۵۹/۱۰).

ه) کتمان حقایق و جعل روایات از سوی معاندان: ایشان با اشاره به کتمان این فضیلت توسط برخی مفسران اهل سنت، از جمله سیوطی در الدر المنثور (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵۸۰-۵۷۵/۱)، آن را نشانه‌ای از فقدان ولایت نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند. در مقابل، حافظ حسکانی در کتاب شواهد التزیل روایت نزول این آیه در شأن امام علی علیه‌السلام را با ده سند از منابع اهل سنت نقل کرده است (حسکانی، ۱۳۸۰: ۱۰۲-۹۶/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۵۹/۱۰). همچنین به اقدام معاویه در تحریف تاریخ اشاره می‌شود که با پرداخت مبالغی به افرادی مانند سمره بن جندب، درصدد جعل روایاتی برای نسبت دادن این آیه به قاتل امام علی علیه‌السلام برآمد؛ اقدامی که با رسوایی مواجه شد و مورد پذیرش قرار نگرفت (همان؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۲۸۹/۳).

و) پاسخ به شبهه زمان نزول آیه: شیخ طوسی زمان وقوع حادثه لیلۃ‌المبیت را شب نخست ماه ربیع‌الاول سال اول هجرت می‌داند (طوسی، ۱۴۱۱: ۷۹۱/۲). همچنین به نقل از ابراهیم ثقفی، خود آیه در مسیر میان مکه و مدینه و در همان هنگام واقعه نازل شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶۴/۲). اختلاف در مکی یا مدنی دانستن آیه نیز عمدتاً ناشی از تفاوت در تعریف این دو اصطلاح است: اگر معیار مدنی بودن آیه «خروج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مکه» باشد، این آیه مدنی به شمار می‌آید؛ اما اگر معیار «ورود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدینه» باشد، آیه در شمار آیات مکی قرار می‌گیرد. در پاسخ به این پرسش که چگونه آیه‌ای که در مسیر میان مکه و مدینه نازل شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۲۶/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴۵۳/۱)، در سورة مدنی بقره جای گرفته، توضیح داده می‌شود که این امر با مدنی بودن سورة منافاتی ندارد؛ زیرا هرچند حادثه در مکه رخ داد و آیه در مسیر هجرت نازل شد، اما به دستور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جایگاه کنونی خود در سورة بقره قرار گرفت (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۶۰/۱۰).

در ادامه تفسیر، آیت‌الله جوادی آملی با ذکر نمونه‌های متعددی از مصادیق آیه تأکید می‌کنند که تعدد موارد انطباق، هیچ تعارضی با وحدت سبب نزول آیه ندارد.

۴-۱-۲. انطباق آیه بر شهیدان امر به معروف و نهی از منکر

بر پایه روایتی منسوب به امام علی علیه السلام، مصداق آیه مورد بحث کسی است که در مسیر امر به معروف و نهی از منکر به شهادت می‌رسد (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۵۳۵/۲؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق: ۵۷۸/۱؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۶۱/۱۰). آیت‌الله جوادی‌آملی در تبیین این تطبیق، دو نکته اساسی را مطرح می‌کند:

الف) جمع میان عمومیت آیه و شأن نزول خاص: ایشان تأکید می‌کنند که مفاد این روایت بیانگر عمومیت مفهومی آیه است؛ بدین معنا که هر انسانی که جان خویش را در معرض «بیع» (فروش) در برابر رضای الهی قرار دهد، مشمول مفاد آیه خواهد بود. چنین برداشتی نه تنها با مجموعه‌ای از نصوص و روایات معتبر شیعه و سنی - که نزول آیه را در شأن امیرمؤمنان علی علیه السلام در واقعه «لیلة المیت» دانسته‌اند - ناسازگار نیست (طباطبائی، ۱۴۱۱ق: ۱۰۰/۲)، بلکه بر پایه قاعده اصولی - تفسیری «عدم تخصیص یا تقييد عموم آیه به سبب نزول» استوار است. بر این اساس، هرچند شأن نزول در تعیین مصداق اتم و اکمل آیه نقش دارد، اما موجب محدود شدن دامنه شمول الفاظ عام قرآن نمی‌شود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۶۲/۱۰).

ب) تفکیک میان «تطبیق مصداقی» و «غفلت از شأن نزول»: آیت‌الله جوادی‌آملی تصریح می‌کنند که تأکید بر عمومیت آیه و شمول آن نسبت به آمران به معروف و ناهیان از منکر - به‌ویژه کسانی که با استواری به این فریضه قیام می‌کنند - هیچ‌گونه تعارضی با نزول آیه در شأن شخصیتی معین، مانند امام علی علیه السلام، ندارد. با این حال، آنچه محل تأمل و نقد است، نادیده گرفتن یا تغافل از این شأن نزول تاریخی است. به باور ایشان، اگر مفسری از ذکر این ریشه تاریخی مهم چشم‌پوشد یا با تمرکز انحصاری بر روایات فرعی - مانند داستان صهیب - از آن غفلت کند، چنین رویکردی می‌تواند نشانه نوعی کژروی در تفسیر باشد (همان).

۴-۱-۳. انطباق آیه بر صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله

در روایتی منقول از امام سجاد علیه السلام، مصداق آیه به گروهی ممتاز از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است که اهل مکه به سبب پایداری بر ایمان، آنان را مورد شکنجه و

آزار قرار دادند. در این گزارش، نام‌هایی چون بلال، صهیب، خباب، عمار یاسر و پدر و مادر او ذکر شده است (همان: ۲۶۲/۱۰؛ عاشور، ۱۴۲۱ق: ۴۸۷-۴۸۸؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق: ۵۷۷/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۳۸/۲۲). این روایت به روشنی آیه را بر گروهی از برگزیده‌ترین یاران پیامبر ﷺ تطبیق می‌دهد.

با این حال، مفسران دایره شمول آیه را به این مصادیق محدود ندانسته‌اند و آن را گسترده‌تر تفسیر کرده‌اند؛ به گونه‌ای که برخی آن را ناظر به ابوذر غفاری، گروهی شامل مهاجران و انصار، و برخی دیگر هر مجاهدی که در راه خدا پیکار می‌کند دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۶۳/۱۰؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۵۳۵/۲-۱).

آنچه در این میان از منظر آیت‌الله جوادی آملی اهمیت دارد، تفکیک روشن میان دو سطح تفسیری است:

نخست، تفسیر مفهومی و کلی آیه که بیانگر عمومیت قاعده «بیع نفس در برابر رضای الهی» است؛ و دوم، تطبیق مصداقی و تاریخی که به موارد عینی تحقق این معنا در تاریخ صدر اسلام اشاره دارد. بر این اساس، بیشتر اقوال یادشده از سنخ تطبیق بر مصادیق متعدد به شمار می‌آیند، نه تخصیص یا تحدید مفهوم آیه (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۶۳/۱۰).

این رویکرد با دیدگاهی تفسیری هم‌سو است که «سبب نزول» را مقید عموم الفاظ قرآن نمی‌داند. برای روشن‌تر شدن این قاعده می‌توان به آرای برخی مفسران برجسته اهل سنت نیز اشاره کرد. طبری پس از نقل سه دیدگاه مختلف درباره سبب نزول آیه - از جمله داستان صهیب - پیام کلی آیه را شامل همه آمرا به معروف و ناهیان از منکر می‌داند و سبب نزول را مانعی برای شمول این عمومیت تلقی نمی‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۲۹/۲). آلوسی نیز با اشاره به اختلاف مفسران در تعیین مصداق نخستین آیه گزارش می‌دهد که بیشتر مفسران اهل سنت، صهیب - و به نقلی زیر یا مقدار - را سبب نزول آیه دانسته‌اند؛ در مقابل، امامیه و گروهی دیگر، شأن نزول آن را فداکاری حضرت علی علیه السلام در واقعه «لیلة المبيت» می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۶۳/۱۰؛ آلوسی بغدادی، ۱۴۱۴ق: ۱۴۶/۲).

۲-۴. دیدگاه شیخ محمد مغراوی در تبیین سبب نزول آیه

روش تفسیری شیخ محمد مغراوی در مواجهه با آیه ۲۰۷ سوره بقره، رویکردی نص‌گرا و مبتنی بر گردآوری و نقل دیدگاه‌های مفسران پیشین اهل سنت است. وی به‌جای ارائه نظریه‌ای مستقل، به طبقه‌بندی و گزارش اقوال گوناگون درباره شأن نزول آیه می‌پردازد و در نهایت با نقل روایتی خاص، به نوعی جمع‌بندی ضمنی دست می‌یابد. ازاین‌رو، تحلیل وی را می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد:

۴-۲-۱. نقل و طبقه‌بندی اقوال مفسران درباره سبب نزول

مغراوی در آغاز، با استناد به آرای شماری از مفسران برجسته اهل سنت، دیدگاه‌های موجود درباره سبب نزول آیه را به‌صورت جامع گردآوری می‌کند.

الف) وی به نقل از طبری گزارش می‌کند که مفسران در تعیین مصداق آیه اختلاف نظر دارند. برخی آن را ناظر به مهاجران و انصار - یعنی مجاهدان در راه خدا - دانسته‌اند؛ گروهی دیگر آن را درباره اشخاصی از مهاجران می‌دانند، بی‌آنکه مصداق مشخصی را ذکر کنند؛ و دسته‌ای نیز آیه را شامل هر فردی می‌دانند که جان خود را در راه اطاعت خدا، جهاد در راه او یا امر به معروف فدا کند. طبری در نهایت، با استناد به روایاتی از عمر بن خطاب، علی بن ابی‌طالب علیه السلام و ابن عباس، تفسیر آیه را به «امر به معروف و نهی از منکر» به‌عنوان مناسب‌ترین و روشن‌ترین معنا ترجیح می‌دهد (مغراوی، ۱۴۳۵ق: ۴۳۸/۳). در عین حال، نکته قابل توجه در نقل طبری تأکید او بر این است که نزول آیه درباره شخصی خاص - مانند صهیب - با عمومیت معنای آن منافاتی ندارد؛ به بیان دیگر، سبب نزول خاص مانع از شمول حکم آیه بر همه کسانی نیست که در معنای آن داخل می‌شوند (همان: ۴۳۹/۳؛ طبری، ۱۴۲۲ق: ۵۹۴/۳).

ب) مغراوی در ادامه، به نقل از ابوبکر بن عربی، چهار قول مشهور درباره سبب نزول آیه را ذکر می‌کند: نخست، نزول آیه درباره فضیلت جهاد؛ دوم، نزول آن درباره کسی که از مظلوم دفاع می‌کند. برای این دیدگاه، داستان هشام بن عامر ذکر شده است که در میدان نبرد تا میان صفوف دشمن پیش رفت و ابوهیریه در وصف او این آیه را تلاوت کرد. همچنین روایت شده است که عمر بن خطاب گروهی را برای محاصره

دژی اعزام کرد و یکی از مسلمانان پیش تاخت و جنگید تا کشته شد. برخی گفتند: «او خود را به هلاکت انداخت»، اما عمر در پاسخ گفت: «دروغ می‌گویید! مگر خداوند نمی‌فرماید...». سوم، نزول آیه درباره هجرت و ترک مال و دیار؛ چنان‌که در داستان دو برادر اسیر آمده است که با پرداخت فدیة از اموال خود، آزادی خویش را باز خریدند و سپس به پیامبر ﷺ پیوستند (مغراوی، ۱۴۳۵ق: ۴۳۹/۳). چهارم، نزول آیه درباره امر به معروف و نهی از منکر.

در این زمینه نقل شده است که عمر بن خطاب این دیدگاه را برگزیده بود؛ زیرا هنگام تلاوت آیه ﴿وَمِنَ الثَّانِيَةِ مَنْ يَشْرِي...﴾ استرجاع می‌کرد و می‌گفت: مردی برای امر به معروف و نهی از منکر برخاست و کشته شد. همچنین داستان ابن عباس و تفسیر او از آیات ۲۰۶ و ۲۰۷ سورة بقره مؤید این دیدگاه دانسته شده است؛ بدین معنا که وی آیه ۲۰۷ را در تقابل با آیه ۲۰۶ قرار داده و آن را ناظر به مؤمنانی می‌دانست که در برابر متکبران آلوده به گناه قیام می‌کنند (همان: ۴۳۹/۳-۴۴۰؛ ابن عربی، ۱۴۰۸ق: ۱/۴۴۱-۱۴۵).

ج) سومین منبعی که مغراوی از آن نقل می‌کند، دیدگاه محمد رشید رضا در تفسیر المنار است. رشید رضا آیه را فراتر از یک واقعه تاریخی صرف دانسته و آن را تبیین‌کننده شخصیت مؤمنانی می‌داند که میان گفتار و کردارشان هماهنگی وجود دارد و با «اخلاص کامل» و «ترجیح رضای الهی بر همه لذت‌های دنیوی»، جان خویش را در این معامله الهی عرضه می‌کنند. وی این ایثار را با آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ﴾ (توبه: ۱۱۱) مرتبط می‌داند و تأکید می‌کند که این معامله مستلزم فداکاری عملی در عرصه جامعه و تلاش برای حفظ دین و اصلاح امت است (مغراوی، ۱۴۳۵ق: ۴۴۰/۳). به باور او، مؤمن صرفاً به انجام برخی اعمال فردی - مانند کسب حلال یا صلۀ رحم - بسنده نمی‌کند، بلکه باید وجودی سودمند برای جامعه داشته باشد؛ به مردم نفع برساند، شر را دفع کند، شریعت را پاس بدارد، امت را با علم و عمل تقویت نماید، به خیر دعوت کند و با شر مقابله کند. اوج این فداکاری نیز بذل جان در راه تحقق این اهداف است. رشید رضا همچنین تصریح می‌کند که طلب رضای الهی با بهره‌مندی مشروع از دنیا منافاتی ندارد، اما ترجیح هوای نفس بر فرمان خدا انسان را از زمره این مؤمنان خارج می‌سازد (همان: ۴۴۱/۳-۴۴۲؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق: ۲/۲۵۲-۲۵۵).

۴-۲-۲. دیدگاه منتخب مغراوی: تلفیق داستان صهیب با عمومیت آیه

پس از نقل این اقوال، شیخ مغراوی به بررسی «آنچه در سنت از نصوص صحیح درباره فداکاری مؤمن در راه خدا وارد شده است» می‌پردازد و به‌طور خاص روایت صهیب رومی را مطرح می‌کند. بر اساس این روایت، صهیب در مسیر هجرت به مدینه از سوی مشرکان قریش متوقف شد و برای رهایی، با آنان توافق کرد که در برابر پرداخت مقدار زیادی طلا راه را برای او باز کنند. هنگامی که به قبا رسید و نزد پیامبر ﷺ رفت، آن حضرت به او فرمود: «ای ابویحیی! این معامله سودمند بود»، سپس آیه ۲۰۷ سوره بقره را تلاوت کرد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۷۳۲/۲؛ مغراوی، ۱۴۳۵ق: ۴۴۲/۳).

مغراوی در ادامه، ذیل عنوان «فوائد حدیث»، به تحلیل این روایت پرداخته و از خلال آن دیدگاه خود را روشن می‌سازد. مهم‌ترین نکاتی که از این بخش قابل استنباط است عبارتند از:

الف) پذیرش داستان صهیب به‌عنوان سبب نزول

وی با وجود اشاره به احتمال ضعف در برخی اسانید این روایت، با استناد به قاعده تساهل در نقل‌های تفسیری - یعنی بهره‌گیری از هر آنچه به فهم آیه کمک کند - و با توجه به تصحیح آن از سوی برخی عالمان، این داستان را می‌پذیرد. از این رو، با توجه به استشهاد پیامبر ﷺ به این آیه درباره صهیب، عملاً داستان او را در حکم سبب نزول یا دست‌کم یکی از مصادیق برجسته آیه معرفی می‌کند (همان: ۴۴۳/۳).

ب) تثبیت فضیلت صهیب

مغراوی این روایت را دربردارنده نوعی بزرگداشت و بیان فضیلت برای صهیب رومی می‌داند (همان).

ج) استخراج پیام‌های کلی

وی از این روایت آموزه‌هایی همچون «برتری دین بر مال»، «لزوم حفظ دین حتی با پرداخت هزینه‌های سنگین» و «تشویق و ستایش پیامبر ﷺ از خدمت‌گزاران دین» را نتیجه می‌گیرد؛ نکاتی که با نگاه کلی و اجتماعی او به مفهوم «شراء النفس» هماهنگ است (همان).

۴-۲-۳. جمع‌بندی و تحلیل نهایی دیدگاه مغراوی

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان دیدگاه شیخ محمد مغراوی درباره سبب نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره را چنین تبیین کرد: وی به‌عنوان مفسری نص‌گرا، ابتدا به گردآوری جامع اقوال مفسران پیشین می‌پردازد و طیفی گسترده از مصادیق - از جمله جهاد، هجرت، امر به معروف، دفاع از مظلوم و مانند آن - را بدون ترجیح قاطع یکی بر دیگری گزارش می‌کند. این رویکرد نشان‌دهنده تأکید او بر عمومیت مفهومی آیه است.

در گام بعد، مغراوی با استناد به سنت نبوی، روایت صهیب رومی را - با پذیرش تساهل در بررسی سند - به‌عنوان مستندی روایی مطرح کرده و آن را در حکم سبب نزول آیه معرفی می‌کند. بدین ترتیب، در نگاه نخست چنین می‌نماید که وی در شمار مفسرانی قرار می‌گیرد که مصداق آیه را صهیب می‌دانند.

با این حال، مغراوی برخلاف برخی مفسران که کوشیده‌اند مصداق آیه را به صهیب منحصر کنند، چنین انحصاری را نمی‌پذیرد. او با نقل دیدگاه‌های مبسوطی از طبری و رشید رضا - که بر عدم تعارض میان سبب نزول خاص و عمومیت معنای آیه تأکید دارند - عملاً این دیدگاه را تأیید می‌کند. به بیان دیگر، از منظر وی هرچند آیه در واقع‌ای مرتبط با صهیب نازل شده است، اما پیام آن عام بوده و همه مؤمنانی را که در راه طلب رضای الهی از جان و مال خود می‌گذرند، در بر می‌گیرد.

بر این اساس، می‌توان دیدگاه مغراوی درباره سبب نزول آیه را تلفیقی از دو رویکرد دانست: از یک سو، با تکیه بر نقل روایت، داستان صهیب را به‌عنوان مصداقی مهم برای نزول آیه مطرح می‌کند؛ و از سوی دیگر، با پذیرش دیدگاه مفسرانی چون طبری، ابن عربی و رشید رضا، بر عمومیت دلالت آیه و شمول آن نسبت به همه فداکاران در راه دین و جامعه اسلامی تأکید می‌ورزد.

۵. نقد و ارزیابی دیدگاه شیخ محمد مغراوی درباره سبب نزول

با این حال، دیدگاه شیخ محمد مغراوی در تبیین سبب نزول آیه ۲۰۷ بقره - که بر دو پایه استوار است: نخست، تکیه بر روایت صهیب رومی به‌عنوان مصداقی برای نزول آیه، و دوم، پذیرش عمومیت دلالت آن نسبت به همه فداکاران در راه دین - با نقدهایی در

سطوح معناشناختی، تاریخی و روش‌شناختی مواجه شده است که در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۵. نقد نخست: خلط معناشناختی میان «بذل جان» و «بذل مال»

مغراوی با استناد به روایت صهییب، اقدام او در بخشش اموال برای رهایی از دست مشرکان و پیوستن به پیامبر ﷺ را مصداق «شراء النفس» و فداکاری در راه رضای الهی می‌داند (مغراوی، ۱۴۳۵ق: ۴۴۳/۳). با این حال، این تطبیق تفسیری از منظر برخی مفسران شیعی و بر اساس دقت در مفاد لغوی و محتوای آیه با نقدی اساسی مواجه شده است.

آیت‌الله جوادی‌آملی در تفسیر خود، با استناد به دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان، این انطباق را خلاف ظاهر و مفهوم صریح آیه دانسته و آن را نمی‌پذیرد. استدلال ایشان بر تمایزی معناشناختی میان دو مفهوم «فداکاری جان» و «فداکاری مال» استوار است. به باور آنان، تعبیر قرآنی «يَشْرِي نَفْسَهُ» به‌صراحت بر «فروختن جان» یا قرار دادن خویش در معرض هلاکت دلالت دارد؛ یعنی عملی که در آن شخص، جان خود را در معامله الهی عرضه می‌کند تا به رضای الهی دست یابد.

در مقابل، در واقعه صهییب با گونه‌ای متفاوت از ایثار مواجه هستیم. آنچه وی در راه دین و هجرت تقدیم کرد، مال و ثروت دنیوی او بود، نه جان. او با بخشیدن اموال خویش، در حقیقت جان خود را از خطر مرگ و اسارت رهانید و توانست به سلامت به مدینه هجرت کند. از این رو در این واقعه، جان صهییب موضوع فداکاری قرار نگرفت، بلکه وسیله‌ای برای حفظ و نجات آن به کار گرفته شد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵ش: ۲۶۱/۱۰؛ طباطبائی، ۱۳۵۲ش: ۱۰۰/۲).

بر این اساس، تطبیق آیه دالّ بر «فداکاری جان» بر واقعه‌ای که در آن «فداکاری مال» رخ داده است، با دلالت صریح و لغوی آیه سازگار نیست و نوعی خلط میان دو سطح متفاوت از ایثار به شمار می‌آید. بنابراین، هرچند ایثار مالی صهییب عملی ارزشمند تلقی می‌شود، اما تمایز معناشناختی میان «بذل جان» و «بذل مال» موجب می‌شود این روایت نتواند مصداق حقیقی آیه یا شاهی برای سبب نزول آن به شمار رود.

۲-۵. نقد دوم: اشکالات تاریخی و روش‌شناختی در تبیین سبب نزول

رویکرد دوم مغرایی - که با پذیرش ضمنی دیدگاه مفسرانی چون طبری، ابن عربی و رشید رضا بر عمومیت دلالت آیه تأکید می‌ورزد - هرچند از حیث توجه به پیام کلی قرآن قابل تأمل است، اما از دو منظر اساسی قابل نقد است.

الف) نقد تاریخی: مغایرت با شرط تقدم سبب نزول بر آیه

یکی از اصول پذیرفته‌شده در علوم قرآنی آن است که «سبب نزول» باید پیش از نزول آیه یا هم‌زمان با آن رخ داده باشد تا بتوان آن را زمینه و علت نزول آیه دانست (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۶۲/۱۰). با توجه به ماجرای صهیب و نیز نقل‌های مربوط به آن در آثار مفسرانی چون ابن عربی (ابن عربی، ۱۴۰۸: ۱۴۴/۱-۱۴۵)، روشن می‌شود که این رویدادها به دوران پس از هجرت پیامبر ﷺ و حوادثی در مسیر مدینه یا حتی دوره خلافت عمر مربوط است. از آنجا که آیه ۲۰۷ سوره بقره پیش از این وقایع نازل شده است، چنین رخدادهایی نمی‌توانند «سبب نزول» حقیقی آیه به شمار آیند. این موارد، در بهترین حالت، بیانگر تطبیق آیه بر مصادیقی متأخر هستند و از حیث تاریخی صلاحیت تبیین سبب نزول را ندارند.

ب) نقد روش‌شناختی: تمایز میان «سبب نزول» و «مصادیق متأخر»

از منظر روش‌شناسی تفسیر، میان دو مقوله «سبب نزول» و «مصادیق آیه» تفاوتی بنیادین وجود دارد. آیه ۲۰۷ سوره بقره به توصیف نوعی خاص از انسان‌ها می‌پردازد: کسانی که جان خویش را در راه طلب رضایت الهی فدا می‌کنند. این توصیف، ماهیتی کلی و فرازمانی دارد. بنابراین، اگر فردی پس از نزول آیه واجد چنین صفتی گردد و در راه خدا از جان خود بگذرد، می‌توان او را از «مصادیق متأخر» آیه به شمار آورد؛ اما چنین تطبیقی هرگز به معنای آن نیست که واقعه مربوط به او سبب نزول آیه بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۶۳/۱۰).

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و شیخ محمد مغرایی در تفسیر آیه ۲۰۷ سوره بقره، نتایج قابل توجهی به همراه داشت که می‌توان آن را در چند محور اصلی خلاصه کرد.

نخست: تأثیر مبانی بر روش و نتایج تفسیر. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تفاوت در مبانی معرفتی و روش‌شناختی دو مفسر به برداشت‌هایی متفاوت از یک آیه واحد انجامیده است. آیت‌الله جوادی‌آملی با بهره‌گیری هم‌زمان از عقل، نقل و عرفان، تفسیری چندلایه و عمیق از آیه ارائه می‌کند که در آن «شراء النفس» به معنای مبادله وجود ناقص انسانی با قرب الهی و وصول به مقام «فنا فی الله» تفسیر می‌شود. در مقابل، مغراوی با رویکردی نص‌گرا و با اکتفا به ظواهر لغوی و مجموعه‌ای از روایات پراکنده - بدون نقد محتوایی و سندی کارآمد - به برداشتی سطحی‌تر و در برخی موارد ناسازگار با مفهوم صریح آیه دست می‌یابد.

دوم: سبب نزول و مسئله انطباق. آیت‌الله جوادی‌آملی با استناد به روایات متواتر فریقین و با تکیه بر قاعده «عدم تخصیص عموم آیه به سبب نزول»، ضمن پذیرش مصادیق متعدد برای آیه، مصداق اتم و اکمل آن را امام علی (علیه السلام) در واقعه لیلۃ‌المبیت معرفی می‌کند. در مقابل، مغراوی با وجود گزارش دیدگاه‌های گوناگون و تأکید بر عمومیت آیه، در نهایت داستان صهیب رومی را به‌عنوان سبب نزول مطرح می‌کند. افزون بر اشکالات تاریخی - از جمله تقدم نزول آیه بر واقعه صهیب - این دیدگاه با خلط معاشناختی میان «بذل جان» (که در آیه تصریح شده است) و «بذل مال» (که در داستان صهیب مطرح است) نیز مواجه است؛ امری که نشان‌دهنده فقدان دقت کافی در مفردات قرآنی است.

سوم: لیلۃ‌المبیت، نماد عالی‌ترین مرتبه ایثار. در منظومه فکری مفسران شیعی، واقعه لیلۃ‌المبیت و آیه مرتبط با آن تنها یک رویداد تاریخی تلقی نمی‌شود، بلکه نمادی از عالی‌ترین مرتبه ایثار وجودی و تجلی اخلاص در راه رضایت الهی است. آیت‌الله جوادی‌آملی با تحلیل مقایسه‌ای این فداکاری با رؤیای حضرت ابراهیم (علیه السلام) و نیز با اشاره به عظمت آن از جهتی خاص نسبت به حماسه کربلا، ژرفای این واقعه را تبیین می‌کند. در مقابل، نادیده گرفتن یا کم‌رنگ ساختن این شأن نزول در برخی جریان‌های تفسیری اهل سنت را می‌توان نشانه‌ای از تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی در فرایند تفسیر دانست. در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که فهم مفسران از قرآن تا حد زیادی تحت

تأثیر مبانی معرفتی و پیش فرض های فکری آنان قرار دارد؛ چنان که گفته اند: «كُلُّ يَأْخُذُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا يَعْطِيهِ مِنْ فِكْرِهِ وَ ثِقَافَتِهِ». از این رو، شایسته است پژوهش های آینده با گسترش دامنه مطالعات تطبیقی به دیگر تفاسیر فریقین و نیز با تحلیل گفتمان های تفسیری معاصر، ابعاد و زوایای این آیه و دیگر آیات مرتبط با فضائل اهل بیت علیهم السلام را بیش از پیش روشن سازند.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (بی تا)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی رحمته الله.
۲. ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۷م)، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
۳. ابن شجرى، هبة الله بن علی، (۲۰۰۹م)، ما اتفق لفظه و اختلف معناه، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه.
۵. ابن عبد البر، ابو عمر یوسف، (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق: علی محمدی البجاوی، بیروت: دار الجیل.
۶. ابن عربی، محمد بن عبدالله، (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن، بیروت: دار الجیل.
۷. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر.
۸. ابن معروف، محمد بن عبد الخالق، (بی تا)، فرهنگ کنز اللغات، تهران: مکتبه المرتضویة.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
۱۰. ابن عربی، محمد بن عبدالله، (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن، بیروت: بی نا.
۱۱. ابوحاتم سجستانی، سهل بن محمد، (۱۴۳۰ق)، الأضداد، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.
۱۲. امینی، عبد الحسین، (۱۴۱۶ق)، الغدير، قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة.
۱۳. آلوسی بغدادی، سید شهاب الدین محمد، (۱۴۱۴ق)، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت: دار الفکر.
۱۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، البرهان فی التفسیر القرآن، تحقیق: بنیاد بعث، واحد تحقیقات اسلامی، قم: موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر.
۱۵. ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان، تحقیق: ابی محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۶. جوادى آملی، عبدالله، (۱۳۸۵ش)، تسنیم، تحقیق: سعید بندلی، ویرایش: مجید حیدری
فر، قم: اسراء، ششم.
۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق:
مؤسسه آل‌البیت، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. حسکانی، عیدالله، (۱۳۸۰ش)، شواهد التنزیل، ترجمه: احمد روحانی، قم: دارالهدی.
۱۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، (بی‌تا)، آینه یقین، ترجمه: سید مجتبی علوی تراکمه‌ای،
قم: هجرت.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، تصحیح: صفوان
عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیه.
۲۱. رشیدرضا، محمد، (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت: دارالمعرفة.
۲۲. زبیدی، المرتضی محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت:
دارالفکر.
۲۳. سیوطی، عبدالرحمن جلال‌الدین، (۱۴۱۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت:
دارالفکر.
۲۴. _____، _____، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی
النجفی رحمته‌الله.
۲۵. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۳۴ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، قم: شکرانه.
۲۶. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۵۲ش)، المیزان فی التفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی
للمطبوعات، سوم.
۲۷. طبرسی، فضل ابن حسن، (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل‌الله
یزدی طباطبائی و هاشم رسولی، بیروت: دارالمعرفة، دوم.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: آل‌البیت علیهم‌السلام
لاحياء التراث.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۲ق)، المسترشد فی امامة علی ابن ابی طالب علیه‌السلام،
تحقیق/تصحیح: احمد محمودی، قم: کوشانپور.
۳۰. _____، _____، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی التفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۳۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، بیروت: مکتبه المرتضویه.

۳۲. طوسی، محمدبن الحسن، (۱۴۱۱ق)، مصباح‌المجتهد و سلاح‌المتعبّد، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.
۳۳. _____، (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دارالثقافة.
۳۴. عاشور، سیدعلی، (۱۴۲۱ق)، تفسیرالمنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری علیه السلام، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۳۵. فخر رازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰ق)، تفسیرالکبیر، بی‌جا: بی‌نا، سوم.
۳۶. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، (۱۳۷۳ش)، الصافی فی التفسیر القرآن، تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، دوم.
۳۷. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ششم.
۳۸. قمی مشهدی، محمدبن محمد رضا، (۱۳۶۷ش)، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، موسسه الطبع و النشر.
۳۹. قمی، عباس، (۱۳۹۵ش)، فرهنگ واژگان قرآن کریم، ترجمه: غلامحسین انصاری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پنجم.
۴۰. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، (۱۳۸۰ش)، کشف الغطاء، تحقیق: عباس تبریزیان و محمدرضا ذاکری و عبدالحلیم حلی، بی‌جا: اسلامی.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم.
۴۲. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۴۳. مغراوی، محمد، (۱۴۳۵ق)، التدبر و البیان، لبنان: بی‌نا.
۴۴. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۸ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، یازدهم.

پایگاه‌های اینترنتی

۱. پایگاه اینترنتی دانشنامه اسلامی، (جستجو برای: ليلة المبيت)،

https://wiki.ahlolbait.com/%D9%84%DB%8C%D9%84%D8%A9_%D8%A7%D9%84%D9

(۱۳۸۸ش). %85%D8%A8%DB%8C%D8%AA.